



فروخته شد

■ مریم باغ گلشنی

آموزگار پایه چهارم دبستان پسرانه ناحیه ۲



مریم باغ گلشنی در سال ۱۳۷۷ در رشته مهندسی کامپیوتر، گرایش نرم افزار، فارغ التحصیل شد. به مدت ۸ سال مربی رایانه کودکان بود و از سال ۱۳۹۰ همکاری خود را با مجتمع آموزشی جواد الائمه (ع) آغاز کرد. وی ۱۱ سال است که در سمت آموزگار پایه های سوم و چهارم در دبستان پسرانه حضرت جواد الائمه (ع) فعالیت می کند.

در جهان امروز، قابلیت یافتن دیدگاه های جدید و داشتن نوآوری، مهارتی باارزش محسوب می شود. افراد با ذهن باز و قدرت تفکر خلاق اغلب اوقات در خط مقدم ایجاد تغییرات، حل مشکلات و خلق ایده های به روز و جدید هستند. در واقع به تعداد نگرش های خلاقانه گوناگون، متفکران خلاق وجود دارد. ساخت کاردستی یکی از راه هایی است که کودکان را به سمت تفکر خلاق هدایت می کند. کاردستی ها همیشه برای کودکان جذاب اند. آن ها از این طریق می توانند ایده های زیبایی را نمایش دهند. اینکه بچه ها چیزی را خلق و مراحل ساختن آن را طی کنند، حس خوبی برایشان ایجاد می کند. این حس خوب که از فرایند تولید به دست می آید، کمک می کند تا آن ها ساعت های

زیادی را سرگرم درست کردن کاردستی شوند. ساخت کاردستی می تواند، غیر از سرگرمی و انتقال حس خوب به کودکان، مهارت های متعددی را نیز تقویت کند. بسیاری از خانواده ها برای سرگرم کردن فرزندانشان به فناوری روی می آورند، در حالی که اگر فرزندانمان را تشویق کنیم کاردستی های خلاق بسازند و بدون ارزیابی بیش از حد، آن کاردستی ها را در معرض نمایش قرار دهیم، به پرورش خلاقیت کودکانمان کمک کرده ایم. در این مسیر، مهارت های دیگرشان نیز ارتقا می یابد. آن ها بدین وسیله خودشان را نشان می دهند، فرصت اجتماعی بودن پیدا می کنند، اعتماد به نفسشان افزایش می یابد و مهارت های تصمیم گیری در آن ها زیاد می شود.

با این اندیشه و باور از بچه های کلاسم خواستم با کمک مهارت دست های کوچک و نیروی قوی تخیلشان و با استفاده از موادی که در دسترس دارند، کاردستی های متنوعی بسازند تا آن ها را در نمایشگاهی در دبستان برای فروش عرضه کنیم. بچه ها با شوق و ذوق استقبال کردند. قرار شد سه ماه فصل پاییز برای تهیه دست سازه هایشان زمان داشته باشند.

این طرح در راستای رشد و پرورش استعداد های بچه ها و ارتقای مهارت های زیر برنامه ریزی شد: ۱. بالابردن قدرت تصمیم گیری و انتخاب؛

۲. پرورش تفکر خلاق؛

۳. ایجاد حال خوب در بچه ها.

در اولین مرحله، بچه ها باید کاردستی مورد نظرشان را انتخاب می کردند. در این بین، صحنه های جالب و زیبایی در حال رقم خوردن بود؛ بچه ها از وسایلی که در منزل داشتند می گفتند. با بیان ایده هایشان از هم نظرخواهی می کردند و در مورد اینکه چه نوع کاردستی ای فروش بهتری دارد با هم مشورت می کردند. ساعت هایی از کلاس را به این طرح اختصاص دادیم.

نظر بعضی بچه ها این بود که بهتر است وسایلی کاربردی بسازند تا فروش بهتری داشته باشد. عده ای دیگر وسایل تزئینی را می پسندیدند و در این مرحله بود که باید تصمیم می گرفتند چه چیزی را انتخاب کنند و توان و مهارتشان را در راستای آن ارتقا دهند. به آن ها پیشنهاد دادم تا با دقت به پدیده های اطرافشان بنگرند و با خلاقیت و نوآوری کار کنند.

آن ها با قوطی های فلزی و تزئین آن ها با نمک، دکمه های رنگی، مداد رنگی های کوچک شده و چوب بستنی های رنگ شده جامداتی های زیبایی ساخته بودند. با همان چوب بستنی ها، جاکلیدی های قشنگ، تابلوهای کوچک و قاب عکس های

زیبایی درست کرده بودند.

کیف پول و کیف کارت بانکی با نمک از دیگر وسایل کاربردی ساخته شده بود. بچه ها با مهره های رنگی

دستبندهای زیبایی هم درست کرده بودند. سرکلیدی های چرمی رنگی، قلک های چوبی و پلاستیکی، فرفره هایی با در بطری آب معدنی، عروسک های انگشتی نمدی، سرمدادی های نمدی، دفترچه یادداشت هایی با جای خودکار و نیز جعبه های هدیه از دیگر کارهای دست بچه ها بود.

علاوه بر این، کارهای تزئینی جالبی در بین دست سازه ها پیدا می شد؛ مانند خانه های چوبی، نمونک (ماکت) آدم آهنی با بطری آب معدنی، تخم مرغ تزئینی سفره هفت سین، گلدان های گل طبیعی، تابلوهای کوچک با کاشی های شکسته، قالیق های یونولیتی، نمونک حیوانات و...

نمونه کارها نشان می داد بچه ها از ابزارها نیز به خوبی استفاده کرده اند و مهارت کار با آن ها را به دست آورده اند. برای اینکه مهارت برآورد هزینه، با توجه به میزان مواد اولیه مصرفی و زمان صرف شده، در بچه ها تقویت شود و آن ها بتوانند در این زمینه هم درست عمل کنند، چند ساعتی را به این کار اختصاص دادیم. بچه ها کاردستی هایشان را به کلاس آوردند و بعد از شنیدن توضیحات سازنده، برای کارهای دوستانشان قیمتی را مشخص کردند. آن ها

در فضایی دوستانه از مشورت بایکدیگر لذت می بردند. چه شیرین بود دیدن لحظاتی که بچه ها بیشتر از فرد سازنده قیمت می دادند

و این نشان دهنده ارزشی بود که برای کار دوستانشان قائل بودند. با این کار ناخودآگاه اعتماد به نفس یکدیگر را تقویت می کردند.

در مدتی که کاردستی ها در کلاس بود و از بچه ها نظرسنجی می شد، بچه های کلاس، کارهای دوستانشان را پیش خرید می کردند و پیشنهاد می دادند که روی کارتی نوشته شود: «فروخته شد.» همین مسئله باعث شد در زمان باقی مانده تا روز موعود، بعضی از بچه ها تولیداتشان را افزایش دهند.

در روز برگزاری نمایشگاه، دیدن چهره های شاد و ذوق بی نظیر بچه هایم، بالاترین تجربه دوران معلمی ام بود. با شور و هیجان برای والدین و بچه های دیگر مدرسه کارهایشان را توضیح می دادند و آن ها را به فروش می رساندند. برخورد مناسب بچه ها و خوش رویی آن ها هنگام کار، باعث خرسندی و رضایت همه بازدیدکنندگان بود.

از آنجا که کارتخوان نداشتیم و قرار بود همه پول نقد به همراه داشته باشند، بعضی از بچه ها به دوستانی که وجه

نقد نداشتند، کارهایشان را نسبه می دادند و اعتماد به دیگران را تجربه می کردند. در این بین، اگر پولی از جیب کسی می افتاد، به محاسبه فروششان می پرداختند و صاحب پول را پیدا می کردند. این همدلی و مهر در نوع خود بی نظیر بود.

در سه روز برگزاری نمایشگاه، ۹۰ درصد کارها به فروش رسید و بچه ها راضی و خرسند از این جریان، لذت کاری نورا تجربه کردند. از آنجا که درآمد اکثر بچه ها اولین دستمزدشان بود، درباره نحوه استفاده از آن صحبت می کردند. تصمیم بیشتر آن ها پس انداز کردن بود و همین مسئله زمینه ای مناسب را ایجاد کرد تا توجهشان را به زحمات والدینشان برای کسب درآمد جلب و اهمیت قدردانی از آن ها را گوشزد کنم.

حال خوب بچه هایم لذتی وصف ناپذیر داشت. امیدوارم توانسته باشم، در کنار تقویت مهارت هایشان، خاطره ای به یادماندنی نیز برای آن ها به یادگار گذاشته باشم. □

